

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



عنوان: مدیریت جهادی
تهیه و تدوین: معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
با همکاری مرکز مطالعات راهبردی رهیافت ولایت
گرافیک و صفحه آرایی: مصطفی معمی‌وند
چاپ: مؤسسه‌ی فرهنگی قدس

شمارگان: ۱۰۰۰

نشانی تهیه کننده: مشهد، حرم مطهر رضوی، صحن جامع رضوی،
ضلع غربی، اداره تولیدات فرهنگی. تلفن: ۲۰۰۲۵۶۷ - ۵۱۱
صندوق پستی: ۳۵۱ - ۹۱۷۳۵





گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب مد ظله العالی



فهرست مطالب

مقدمه	۷
فصل اول: فرهنگ جهادی	۹
۱. تعریف فرهنگ جهادی	۱۱
۲. شخصیت‌های جهادی‌الگو	۱۴
الف. پیامبران الهی	۱۴
ب. پیامبر اعظم ﷺ	۱۵
ج. امیرالمؤمنین علی علیه السلام	۱۵
د. فاطمه زهرا علیها السلام	۱۷
ه. امام خمینی رحمه الله	۱۹
و. شهدا	۲۰
فصل دوم: کار جهادی	۲۳
۱. تعریف جهاد و کار جهادی	۲۵
۲. عرصه‌های جهاد و کار جهادی	۲۸
الف. عرصه درونی (جهاد بانفس و ادای حق بندگی پروردگار)	۲۸
ب. عرصه بیرونی (جهاد مسلحانه، جهاد فرهنگی، جهاد علمی، جهاد مالی و اقتصادی و...)	۳۱
۳. شاخصه‌های کار جهادی	۳۳
الف. همراه با تلاش و مجاهدت است	۳۳
ب. در مقابله با دشمن است	۳۴
ج. با همت بزرگ، ایمان عمیق [به خداوند، پاداش الهی و کار] و همراه با قصد خالص است	۳۷



کتابخانه مجلس شورای اسلامی

د. هدفمند و متوجه به آرمان‌هاست	۳۷
ه. هوشمندانه، با بصیرت و تدبیر، واقع‌بینانه و در	
چهارچوب قانون است	۳۸
و. متکی به عشق و شوق و بدون انتظارِ فراهم آمدن همهٔ	
جزئیاتی است که برای آدم‌های معمولی لازم و مؤثر است	
.....	۳۹
ز. با بهره‌گیری از تخصص، تجربه و استفاده از همهٔ	
ظرفیت زیرمجموعهٔ خود است	۳۹
ح. با جوشش ابتکار، بروز استعداد و با تکیه بر توان	
خودی است	۴۰
۴. سنن و قواعد الهی در کار جهادی	۴۲
الف. وجود مشکلات و موانع در مسیر حق	۴۲
ب. تدبیر به علاوهٔ مجاهدت؛ مساوی است با پیروزی ...	
.....	۴۳
فصل سوم: مدیریت جهادی	۴۵

مقدمه

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در ایران، روحیه جهادی به عنوان راهکار ایستادگی در برابر دشمنان و حل مشکلات متنوع کشور، مبنای بسیاری از حرکت های ملی قرار گرفت و موجب موفقیت و پیشرفت در آن زمینه ها شد. دوران دفاع مقدس شاخص ترین مثال برای تجلی عینی این مفهوم بنیادین دینی بود. با تحمیل جنگ نابرابر نظامی به انقلاب نوپای اسلامی، اعلام جهاد ازسوی بنیانگذار عظیم الشان انقلاب؛ حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف)، میدان جهاد نظامی را تبدیل به کارگاهی کارآمد برای تربیت جوانانی با روحیه جهادی کرد؛ پدیده مبارکی که امام راحل آن را فتح الفتوح انقلاب اسلامی دانستند.

با مروری بر سخنان و دیدگاه های رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) طی سال های گذشته، این نکته آشکار می شود که نامگذاری سال جاری به «اقتصاد و فرهنگ؛ با عزم ملی و مدیریت جهادی»، در تداوم راهبرد بلندمدت معظم له در تقویت و تثبیت فرهنگ و روحیه مجاهدت و جدّ و جهد و ایثار قرار دارد. ازسوی دیگر، تأکید بر مفهوم نوینی به نام «مدیریت جهادی» در کنار ایجاد گفتمانی کاربردی و عمل گرا را می توان ابزاری برای ترسیم افق حرکت نیروهای انقلابی دانست.

مفهوم «مدیریت جهادی» در قالب یک الگوی بومی مدیریتی متعلق به انقلاب اسلامی و برآمده از تجارب مقاطع

سخت انقلاب (مبارزه، تثبیت انقلاب، دفاع مقدس، سازندگی و عدالت خواهی) می تواند از چارچوب یک اصطلاح، مفهوم نظری یا نظریه فراتر رفته و جنبه عینی و عملی به خود گیرد؛ الگویی که مبانی، زمینه ها و مؤلفه های آن از زوایای گوناگون مورد بحث و دقت قرار گرفته و کارآمدی خود را در مقام عمل به اثبات رسانده است.

بدیهی است که تلاش در جهت تبیین صحیح و اصولی این الگو را که لازمه عملیاتی شدن آن است، می توان از جمله وظایف همه نخبگان، کارشناسان و رسانه ها در شرایط کنونی دانست؛ البته مطمئناً این فرآیند تبیین و تفسیر نیز، تنها هنگامی از صحت و اعتبار برخوردار است که در چارچوب منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) صورت پذیرد.

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی





فصل اول: فرهنگ جهادی





۱. تعریف فرهنگ جهادی

آنچه انقلاب اسلامی به مردم ما داد، «فرهنگ جهادی» بود. فرهنگ جهادی در همه صحنه‌ها و عرصه‌ها به کار می‌آید و در زمینه کارهای زیربنایی کشاورزی و دامداری و امثال این‌ها هم از اول انقلاب، روح و فرهنگ جهادی وارد میدان شد. بعضی از صاحب‌نظران درباره انقلاب‌های دنیا این‌طور اظهارنظر کرده‌اند که انقلاب‌ها بعد از آنکه به پیروزی رسیدند، سیال بودن و جوشندگی و تحرّک و پیشرفت آن‌ها از بین می‌رود و به دستگاه‌های ایستا و بی‌تحرّک تبدیل می‌شوند. ممکن است در برخی از انقلاب‌ها همین‌طور باشد، ما نسبت به آن‌ها قضاوتی نمی‌کنیم، اما در مورد انقلاب ما پدیده‌ای دیده شد که این فرضیه را از کلیت انداخت و در اینجا غلط از آب درآمد؛ زیرا خود انقلاب دستگاه‌هایی را به وجود آورد که در ذاتشان حرکت و جوشش انقلابی و سریع و جهادی وجود داشت. یکی از دستگاه‌ها جهاد سازندگی بود، یکی از دستگاه‌ها سپاه بود، یکی از دستگاه‌ها بسیج بود. این‌ها دستگاه‌هایی هستند که شکل اداری و ثابت و ایستا و متحرّج و منجمد نداشتند؛ ولو سازماندهی و تشکیلات و نظم در این‌ها وجود داشت، اما همان حالت حرکت، پیشرفت و جهش که در خود انقلاب موجود بود، در این‌ها هم وجود داشت و ما اثرش را هم در بیرون دیدیم. در دفاع هشت‌ساله، بسیج و تحرّک مردم را دیدید. در میدان کار و سازندگی و پیشرفت، روحیه جهادی را دیدید که

البته مخصوص جهاد سازندگی هم نماند؛ این روحیه در بسیاری از دستگاه‌ها رسوخ کرد. امروز هم شما در کمک‌رسانی به بیم‌همین روحیه را مشاهده می‌کنید. این روحیه در همه‌جای دنیا نیست. مهربانی و همکاری و دلسوزی برای مصیبت‌دیدگان که مربوط به همه‌بشر است، يك حرف است؛ اما جوشش و تحرك و نشاط و ورود در میدان، بدون هیچ ترتیب آداب، برای خدمت‌کردن، يك حرف دیگر است. آنچه در ایران دیده شد، این بود: همه وارد میدان شدند و تحرك پیدا کردند. بنده در سال‌های قبل از انقلاب، حوادثی مثل زلزله و سیل را از نزدیک دیده بودم. خود من رفتم امدادگری و خدمتگزاری کردم. این روحیه حرکت عمومی، این دلسوزی، این ورود در صحنه کار و ابتکار، این کمک‌رسانی‌انبوه، مخصوص ملتی است که دل او از حرکت جهادی گرم است و جوشش جهادی در دل او وجود دارد. این همان روحیه بسیج دوران دفاع مقدس است؛ این همان روحیه سنگ‌سازان بی‌سنگر جهاد سازندگی است که غسل شهادت می‌کردند، روی بولدوزر می‌نشستند تا خاکریز بزنند. ما این روحیه را باید حفظ کنیم. این روحیه با کار علمی و نظم تشکیلاتی هیچ منافاتی ندارد؛ بلکه اتفاقاً کار علمی را هم همین روحیه جهادی بهتر می‌کند.

من به شما عرض کنم؛ ما پیشرفت‌های علمی و پژوهشی بسیار زیادی در بخش‌های مختلف داشته‌ایم که ستون اصلی این بخش‌ها را همین جوانان انقلابی و بچه‌های مؤمن تشکیل داده‌اند. آن‌ها بودند که وارد میدان شدند و براساس همان روحیه، بسیاری از گردنه‌ها و عقبه‌های تحقیقات و کار مهم علمی را

پیش بردند. بله؛ معنویت، دنیای انسان را هم آبادتر می‌کند؛ منتها دنیای سالم. آنجایی که فرهنگ جهادی نیست و فرهنگ مادی حاکم است، هر انسانی به‌تنهایی خودش محور همه حوادث عالم است؛ سود را برای خود می‌خواهد و ضرر را از خود دفع می‌کند. اصل برای او این است؛ لذا تعارض‌ها و بی‌اخلاقی‌ها و بی‌صداقتی‌ها و دشمنی‌ها پیش می‌آید. آنجایی که حرکت و روح جهادی وجود دارد، انسان در ایمان و آرمان و خدمت به دیگران حل می‌شود و خود را فراموش می‌کند. این روحیه را باید در جامعه تقویت کرد.^۱

اگر از عوامل معنوی و آنچه خدای متعال وعده آن را به مؤمنان و مجاهدان راه حق داده است هم صرف‌نظر کنیم، برحسب قوانین عادی زندگی جوامع بشری، هر جامعه‌ای عزتش، قدرتش، آبرو و حیثیتش، هویتش بستگی دارد به مجاهدت و به تلاش. با تنبلی و تن‌آسایی، هیچ ملتی نمی‌تواند مقام شایسته‌ای را در میان ملت‌های عالم یا در تاریخ پیدا کند. آنچه که ملت‌ها را، هم در تاریخ و هم در دوران خودشان، در میان ملت‌های عالم سربلند می‌کند، مجاهدت است، تلاش است. این تلاش، البته شکل‌های گوناگونی دارد؛ هم تلاش علمی، هم تلاش اقتصادی، هم تلاش به معنای تعاون اجتماعی میان افراد؛ همه لازم است؛ اما در رأس همه‌ی این تلاش‌ها، آمادگی برای جان‌فشانی است که يك ملت را در میان ملت‌ها سرافراز می‌کند. اگر در میان هر ملتی کسانی وجود نداشته باشند که آماده باشند از جان خود، از راحت خود، در راه رسیدن به آرمان‌ها صرف‌نظر کنند، آن ملت به جایی

نخواهد رسید. کاری که انقلاب برای ما مردم ایران انجام داد، این بود که این راه را در مقابل ما روشن کرد؛ آحاد ملت ما فهمیدند و احساس کردند که باید در راه آرمان‌های بلند، مجاهدت کنند و در مقابل دشمنان این آرمان‌ها بایستند؛ و ایستادند.^۱

۲. شخصیت جهادی الگو

الف. پیامبران الهی

برای يك مجموعهٔ مسلمان، مجموعهٔ مؤمن مهم است که به خدا حُسن ظن داشته باشد؛ بداند که خدا كمك کاراوست، بداند که خدا پشت سر رهپویان راه حق است. وقتی دل‌ها قرص شد، گام‌ها هم محکم می‌شود؛ وقتی گام‌ها استوار شد، راه به آسانی طی می‌شود، به هدف نزدیک می‌شود.

همیشه دشمنان اسلام خواسته‌اند دل مسلمانان را مشوّش و مضطرب کنند. در طول تاریخ اسلام موارد زیادی پیش آمده است؛ قبل از اسلام هم در مورد حرکت‌های عظیم جهادی پیامبران قبل از نبی مكرم، مؤمنینی که توانستند ایمان خودشان را استوار نگه دارند، آرامش روحی پیدا کردند. این آرامش روحی، حرکات آن‌ها را در اختیار جهت ایمانی قرار داد؛ مشوش نشدند، مضطرب نشدند، راه را گم نکردند؛ چون در حال تشویش و اضطراب، پیدا کردن راه درست دشوار می‌شود. انسانی که از آرامش روحی برخوردار است، درست فکر می‌کند، درست تصمیم می‌گیرد، درست حرکت می‌کند. این‌ها نشانه‌های رحمت الهی است.^۲



۱. بیانات در یادمان شهدای شرق کارون، ۱۳۹۳/۰۱/۶.

۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی).

ب. پیامبر اعظم ﷺ

اینکه در آثار و تواریخ هست که کنگره کاخ کسری شکست و نشانه‌های بت پرستی و شرك در گوشه و کنار دنیا متزلزل شد، اگر این آثار قطعیت داشته باشد، شاید همان قدرت‌نمایی الهی است، برای اعلام رمزی حضور این قدرتی که قرار است همه پایه‌های ظلم و فساد را درهم بشکند و علم را از خرافه و تمدن را از فساد و ظلم، پاک و آراسته کند. این کار را پیغمبر بزرگوار ما کرد. این مولود مقدس، در هنگام بعثت بزرگ خود، با چنان دنیایی روبه‌رو شد و با جهادی بسیار دشوار، انسانیت را از جهل، از خرافات، از فساد، از ظلم، از تعصبات دودمان برانداز، از زورگویی انسان‌ها به یکدیگر و ستم انسان‌ها و سوارشدن آن‌ها بر دوش یکدیگر، جلوگیری کرد. اصلاً بساط بشریت را دگرگون کرد. يك بساط جدید و يك وضع جدید را در دنیا به وجود آورد.^۱

ج. امیرالمؤمنین علی علیه السلام

امیرالمؤمنین در دوره‌های مختلف عمر و در شرایط و اوضاع مختلف، هرگاه قرار گرفت، همه وجود خود را به بهترین وجهی در راه اهداف عالی خرج کرد. شما امیرالمؤمنین را به عنوان يك جوان شانزده تا نوزده ساله در مکه یا اوایل ورود به مدینه که باز هم این بزرگوار، يك جوان بیست و چندساله بود، در نظر بگیرید؛ در دوره‌های مختلف عمر این بزرگوار نگاه کنید: ببینید این جوان، حقیقتاً برای بهترین جوانان همه زمان‌ها، برترین الگوست. از شهوات جوانی، لذات دنیایی، زیبایی‌هایی که در نظر جوانان

۱. بیانات در دیدار مسئولان و قشرهای مختلف مردم در روز ولادت پیامبر اکرم ﷺ و امام صادق علیه السلام، ۱۴۰۴/۰۶/۱۳۷۲.

ارزش پیدا می‌کند، هیچ نمی‌خواهد؛ مگر آن هدف عالی و والایی که بعثت نبی اکرم به خاطر آن هدف است. تمام وجود او در خدمت این هدف است. همه چیز برای او در درجه دوم است. این، چیز خیلی عظیمی است که يك جوان، يك لحظه هم به دنیا و شیرینی‌ها و لذت‌های دنیا التفات نکند و جوانی، نیرو، نشاط و روحیه خود، یعنی همه آن چیزهایی را که از طراوت و زیبایی و تازگی در جوان هست، در راه خدا مصرف کند. این حدّ اعلاست؛ چیزی از این بالاتر، حقیقتاً نمی‌شود.^۱

امام صادق (علیه السلام) زبان به ستایش امیرالمؤمنین گشود و آنچنان که مناسب او بود، امیرالمؤمنین (علیه السلام) را مدح کرد. ازجمله چیزهایی که گفت، این‌هاست... «مَا نَزَلَتْ بِرَسُولٍ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَازِلَةً قَطُّ إِلَّا قَدَّمَهُ فِيهَا ثِقَّةٌ بِهِ»؛ هر وقت مسئله مهمی برای پیامبر پیش می‌آمد، پیامبر او را صدا می‌کرد و جلو می‌انداخت؛ به خاطر اینکه به او اعتماد داشت و می‌دانست که اولاً خوب عمل می‌کند، ثانیاً از کار سخت سرپیچی ندارد، ثالثاً آماده مجاهدت در راه خداست. مثلاً در «ليلة المبيت»، آن شبی که پیامبر مخفیانه از مکه به مدینه آمد، يك نفر باید آنجا در آن رختخواب می‌خوابید. پیامبر، علی را جلو انداخت. در جنگ‌ها، امیرالمؤمنین را جلو می‌فرستاد. در کارهای مهم، هر مسئله اساسی و مهمی که پیش می‌آمد، علی را جلو می‌انداخت: «ثِقَّةٌ بِهِ»؛ چون اطمینان داشت و می‌دانست که او بر نمی‌گردد؛ نمی‌لرزد و خوب

عمل خواهد کرد. ۲.

۱. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد مسعود مولای متقیان علی (علیه السلام).



د. فاطمه زهرا عليها السلام

شخصیت زهراى اطهر عليها السلام، در ابعاد سیاسى و اجتماعى و جهادى، شخصیت ممتاز و برجسته‌اى است؛ به‌طوری‌که همه زنان مبارز و انقلابى و برجسته و سیاسى عالم مى‌توانند از زندگى کوتاه و پُر مغز او درس بگیرند. زنى که در بیت انقلاب متولد شد و تمام دوران کودكى را در آغوش پدرى گذراند که در حال يك مبارزه عظیم جهانى فراموش‌نشده بود. آن خانمى که در دوران کودكى، سختی‌هاى مبارزه دوران مکه را چشید، به شعب ابى طالب برده شد، گرسنگى و سختى و رعب و انواع و اقسام شدت‌هاى دوران مبارزه مکه را لمس نمود و بعد هم که به مدینه هجرت کرد، همسر مردى شد که تمام زندگى‌اش جهاد فى سبیل الله بود و در تمام قریب به یازده سال زندگى مشترك فاطمه زهرا و امیرالمؤمنین عليه السلام، هیچ سالى، بلکه هیچ نیم سالى نگذشت که این شوهر، کمر به جهاد فى سبیل الله نبسته و به میدان جنگ نرفته باشد و این زن بزرگ و فداکار، همسرى شایسته يك مرد مجاهد و يك سرباز و سردار دائمى میدان جنگ را نکرده باشد.

پس، زندگى فاطمه زهرا عليها السلام، اگرچه کوتاه بود و حدود بیست سال بیشتر طول نکشید؛ اما این زندگى، از جهت جهاد و مبارزه و تلاش و کار انقلابى و صبر انقلابى و درس و فراگیرى و آموزش به این و آن و سخنرانى و دفاع از نبوت و امامت و نظام اسلامى، دریای پهنآورى از تلاش و مبارزه و کار و درنهایت هم شهادت است. این، زندگى جهادى فاطمه زهراست که بسیار عظیم و فوق‌العاده و



حقیقتاً بی نظیر است و یقیناً در ذهن بشر، چه امروز و چه در آینده، یک نقطه درخشان و استثنایی است.

اما مقام معنوی این بزرگوار، نسبت به مقام جهادی و انقلابی و اجتماعی او، باز به مراتب بالاتر است. فاطمه زهرا علیها السلام به صورت یک بشر و یک زن، آن هم زنی جوان است؛ اما در معنا، یک حقیقت عظیم و یک نور درخشان الهی و یک بنده صالح و یک انسان ممتاز و برگزیده است...

اسلام، فاطمه علیها السلام، آن عنصر برجسته و ممتاز ملکوتی را به عنوان نمونه و اسوه زن معرفی می‌کند. آن زندگی ظاهری و جهاد و مبارزه و دانش و سخنوری و فداکاری و شوهرداری و مادری و همسری و مهاجرت و حضور در همه میدان‌های سیاسی و نظامی و انقلابی و برجستگی همه‌جانبه او که مردهای بزرگ را در مقابلش به خضوع وادار می‌کرد، این هم مقام معنوی و رکوع و سجود و محراب عبادت و دعا و صحیفه و تضرع و ذات ملکوتی و درخشندگی عنصر معنوی و هم‌پایه و هم‌وزن و هم‌سنگ امیرالمؤمنین و پیامبر بودن اوست.^۱

این سه بعد را با هم جمع کردن، نقطه درخشان زندگی فاطمه زهرا علیها السلام است. آن حضرت، این سه جهت را از هم جدا نکرد. بعضی خیال می‌کنند انسانی که مشغول عبادت می‌باشد، یک عابد و متضرع و اهل دعا و ذکر است و نمی‌تواند یک انسان سیاسی باشد. یا بعضی خیال می‌کنند کسی که اهل سیاست است، چه زن و چه مرد، و در میدان جهاد فی سبیل الله حضور فعال دارد، اگر

۱. سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از زنان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، کرمان، قم، قزوین، یزد، کرج و استان‌های چهارمحال و بختیاری و مازندران، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

زن است، نمی‌تواند یک زن خانه با وظایف مادری و همسری و کدبانویی باشد و اگر مرد است، نمی‌تواند یک مرد خانه و دگن و زندگی باشد! خیال می‌کنند این‌ها با هم منافات دارد؛ درحالی‌که از نظر اسلام، این سه چیز با یکدیگر منافات و ضدیت که ندارد، در شخصیت انسان کامل، کمک‌کننده هم است.^۱

ه. امام خمینی رحمته الله

برای تبیین شخصیت امامان، آن انسان والا و آن مسلمان وارسته، بهتر از آن نیست که به قرآن پناه ببریم و او را در لابه‌لای آیه‌های هدایتگر آن که به توصیف بندگان صالح خدا پرداخته است، بازجویم: او با جهاد و هجرت که مؤمنان را در حیطه ولایت الهی قرار می‌دهد، مصداق: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾^۲ شد. او با استقبال از خطر و جان‌برکف گرفتن در راه خدا، در زمره کسانی در آمد که ستایش الهی: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ أُتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾^۳ در وصف آنان سروده شده است.^۴

امام عزیز رحمته الله، با ایمان و جهاد و اخلاص و عمل صالح خود، سنگ بنای حکومت اسلامی را در ایران گذاشت و خدای متعال هم نصرت خود را بر او نازل کرد. پروردگار عالم اصدق القائلین



۱. سخنرانی در دیدار با هیئت نظارت، بازرسان و ناظران شورای نگهبان و هیأت اجرایی انتخابات میان دوره‌ای مجلس و خانواده‌های معظم شهدا، اسرا، مفقودان و جانبازان جنگ تحمیلی استان‌های فارس و همدان، ۱۳۶۸/۰۹/۲۲.

۲. انفال، ۷۲.

۳. بقره، ۲۰۷.

۴. پیام به ملت در چهلمین روز درگذشت امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸/۰۴/۲۳.

است که فرمود: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾^۱، «مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانَ اللَّهُ لَهُ»^۲، ﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ﴾^۳. این آیات و روایات، بیان حقیقت و واقعیت است.

در کشور ما، جهاد و مبارزه و تلاش و اخلاص در میان مردم نمود پیدا کرد و خدای متعال هم برکت داد و پیروزی به دست آمد و اسلام حاکمیت یافت و قرآن عزیز شد و مسلمان ها در دنیا اعتزاز معنوی پیدا کردند و روی آوری به اسلام را افتخار خود دانستند و از مسلمان بودن خویش خجالت نکشیدند.^۴

و. شهدا

هرآنچه که مربوط به وجود نورانی شهید است، شگفتی است. انگیزه او برای حرکت به سمت جهاد که در دنیای مادی و در میان این همه انگیزه رنگارنگ جذاب، يك جوانی برخیزد، قیام لله کند و به سمت میدان مجاهدت حرکت بکند، این خود يك شگفتی است! پس از آن، تلاش او، در معرض خطر قرار دادن خود در میدان های نبرد، کارهای برجسته او در میدان ها، شجاعت ها و شهامت هایی که هر سطری از آن می تواند يك سرمشق ماندگار و نورانی باشد هم يك شگفتی است و پس از آن، رسیدن به شوق وافر و کنار رفتن پرده ها و حجاب های مادی و دیدن چهره معشوق و محبوب که در حرکات شهدا، در حرف های شهدا و در روزهای

۱. عنکبوت، ۶۹.

۲. بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۷.

۳. حج، ۴۰.

۴. سخنرانی در مراسم بیعت مدرّسان، فضلا و طلاب حوزه علمیّه مشهد، به همراه نماینده ولی فقیه در خراسان و تولیت آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸/۰۴/۲۰.



نزدیک به شهادت، همیشه جلوه‌گر بود و نقل‌های فراوانی در این زمینه هست؛ این هم یکی از شگفتی‌هاست.^۱

ببینید جوانی چه ظرفیتی دارد! ببینید جوانی چه شور و شوق و عظمت و گنجایشی دارد! چطور می‌شود در جوانی، بالاترین مقامات معنوی را طی کرد؟! یک بار دیگر در زمان ما، در همین جبهه‌هایی که شما آن را تجربه کردید، این اتفاق افتاد. اینکه امام یک وقت فرمودند: «این وصیت‌نامه‌ها را بخوانید»، به همین خاطر است. من چون خودم وصیت‌نامه‌ها را می‌خواندم و الآن هم هر وقت به دستم بیاید، می‌خوانم؛ فهمیده‌ام که امام چرا این نکته را فرمودند. زیرا در این وصیت‌نامه‌ها، گاهی مطالبی وجود دارد که یک دنیا عرفان حقیقی و ناب است. یعنی حتی عرفای برخوردار از علوم دینی و علوم ظاهری که طبعاً امکان عروج و رشدشان بیشتر است و قهراً پاکیزه‌ترند، نه یک عارف سالکی که معرفتی از لحاظ علوم دینی ندارد، آنچه را که بعد از مثلاً چهل پنجاه سال مجاهدت، در سن هفتادسالگی، هشتادسالگی احساس و درک و مشاهده می‌کنند؛ یک جوان به برکت فداکاری مخلصانه، در مدت چند ماه به دست می‌آورد. چیز عجیبی است! ببینید چطور نعمت الهی، بی دریغ به سمت دل‌های با اخلاص روانه می‌شود!^۲

امروز، به فضل همین شهادت‌ها و به برکت خون شهدا، ملت ما، ملت سربلند و آبرومندی است و ملت‌ها آبرو و عزت را این‌گونه باید پیدا کنند. قدرت‌های استکباری، برای ملت‌های کشورهای

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در جمع جانبازان و ایثارگران و خانواده‌های شهدای استان فارس، ۱۳/۰۲/۱۳۸۷.

۲. بیانات در دیدار با فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۲۶/۰۶/۱۳۷۶.

امثال ما، کشورهای اسلامی و دیگر کشورهای مستضعف، حق حیات و حق رأی و نظر قائل نیستند؛ حتی حق استفاده از منابع ثروت خودشان را هم قائل نیستند. با قدرت‌های شیطانی، از سر ضعف و ذلت نمی‌شود وارد شد؛ چون به ضعیف رحم نمی‌کنند. باید هر ملتی خود را قوی کند و قدرت حقیقی خودش را پیدا نماید و این، جز به برکت اعتقاد و عمل در راه آن اعتقاد تا سرحدّ مجاهدت و شهادت، امکان‌پذیر نیست. این، کاری است که ملت و شهدای ما انجام دادند و دنیای استکبار و دولت‌های متکبر را، نه انسان‌ها و ملت‌ها، چون آن‌ها با ما همراهند؛ وادار به پذیرش و تحمل اسلام و جمهوری اسلامی کردند. البته، از توطئه و اعمال دشمنی و مکر غافل نیستند؛ شما هم غافل نباشید.^۱

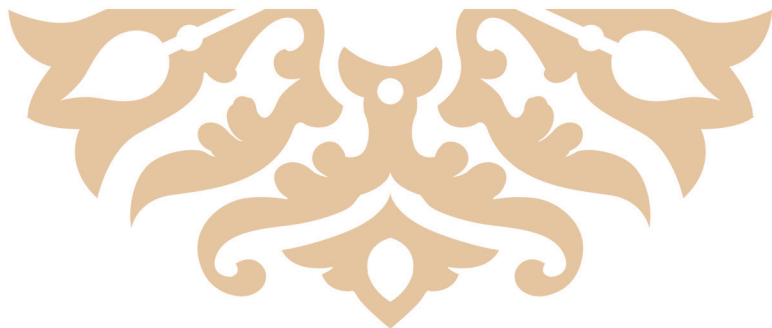
ببیند این جوان، این خانواده، این پدر و مادر، این همّت‌ها و روحیه‌های عظیم و شکست‌ناپذیر، دنبال چه هدفی رفتند؟ آن هدف را از جان خودتان بیشتر محافظت کنید. شهدای ما برای خدا مجاهدت کردند، در راه خدا به شهادت رسیدند، برای حاکمیت دین خدا در کشور که مایهٔ سعادت دنیا و آخرت است سختی‌ها را تحمل کردند؛ پدران و مادران هم همین‌طور.^۲



۱. سخنرانی در دیدار با فرزندان ممتاز شهدا، مسئولان امور فرهنگی بنیاد شهید و گروهی از دانشجویان امامیهٔ پاکستان، ۱۳۶۸/۰۵/۲۵.
 ۲. بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای نیروهای مسلح و جهاد سازندگی، ۱۳۷۷/۰۷/۰۵.



فصل دوم: کار جهادی





۱. تعریف جهاد و کار جهادی

ما در اول «کتاب جهاد» عرض کردیم که معیار جهاد، شمشیر و میدان جنگ نیست. معیار جهاد، همان چیزی است که امروز در زبان فارسی ما در کلمه «مبارزه» وجود دارد. فلانی آدم مبارزی است، فلانی آدم مبارزی نیست؛ نویسنده مبارز، نویسنده غیرمبارز؛ عالم مبارز، عالم غیرمبارز؛ دانشجوی مبارز و طلبه مبارز، دانشجوی غیرمبارز و طلبه غیرمبارز؛ جامعه مبارز و جامعه غیرمبارز. پس، «جهاد» یعنی «مبارزه».^۱

در مبارزه، دو چیز حتماً لازم است: یکی اینکه در آن جدّ و جهد و تحرّکی باشد. انسان در رختخواب یا در پستوی خانه که نمی‌تواند مبارزه کند! در مبارزه، باید جدّ و جهدی وجود داشته باشد. اگرچه در صُوری، مبارزه با نفس هم میدان‌هایی دارد؛ اما حالا مثال‌هایی که می‌زنیم برای مبارزات اجتماعی و این‌هاست. پس، اول اینکه در آن جدّ و جهد و تلاش و تحرّک باشد؛ دوم اینکه، در مقابلش دشمنی باشد.

مبارزه، در آنجاکه دشمن نیست، معنا ندارد. پس، جهاد متقوّم بر این دو رکن است: یکی اینکه در آن جدّ و جهد باشد؛ دیگر اینکه در مقابل دشمن باشد. اگر کسی علیه دوست جدّ و جهد کند، این جهاد نیست؛ بلکه فتنه و اخلال است.^۲

جهاد، یعنی مجاهدت‌کردن و تلاش‌کردن. زندگی، یعنی اینکه ما این هدف‌ها را ترسیم کنیم و ارزش‌هایی را که برای ما

۱. بیانات در شروع درس «خارج فقه»، ۱۳۷۳/۰۶/۲۰.

۲. بیانات در شروع درس «خارج فقه»، ۱۳۷۳/۰۶/۲۰.

عزیز و محترم است، مشخص کنیم و بعد با همه قوا بکوشیم. اصلاً زندگی جز این معنی ندارد؛ و الا اگر انسان از ارزش‌هایی، آن ارزش‌ها هرچه می‌خواهد باشد، خالی باشد، به یک جماد تبدیل خواهد شد.^۱

در این نوع زندگی، هرچه می‌گذرد، انسان احساس می‌کند که عمرش تلف نشده است؛ چون برای یک هدف عالی زحمت کشیده است... در پایان راه هم وقتی به پشت سر خود نگاه می‌کند، می‌بیند فرسنگ‌ها به هدف نزدیک شده است؛ لذا حسرت ندارد و احساس لذت می‌کند. این، زندگی واقعی است؛ زندگی برای آرمان‌ها و هدف‌های والا.^۲

یکی از نکات برجسته در فرهنگ اسلامی که مصداق‌های بارزش، بیشتر در تاریخ صدر اسلام و کمتر در طول زمان دیده می‌شود، «فرهنگ رزمندگی و جهاد» است. جهاد هم فقط به معنای حضور در میدان جنگ نیست؛ زیرا هرگونه تلاش در مقابله با دشمن، می‌تواند جهاد تلقی شود. البته بعضی ممکن است کاری انجام دهند و زحمت هم بکشند و از آن، تعبیر به جهاد کنند. اما این تعبیر، درست نیست؛ چون يك شرط جهاد، این است که در مقابله با دشمن باشد. این مقابله، يك وقت در میدان جنگ مسلحانه است که «جهاد رزمی» نام دارد؛ يك وقت در میدان سیاست است که «جهاد سیاسی» نامیده می‌شود؛ يك وقت هم در میدان مسائل فرهنگی است که به «جهاد فرهنگی» تعبیر می‌شود و يك وقت در میدان سازندگی است که به آن «جهاد سازندگی»



۱. بیانات در دیدار با اعضای «گروه اجتماعی» صدای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۱۱/۲۹.

۲. بیانات در دیدار اعضای «نیروی هوایی» ارتش در روز نیروی هوایی، ۱۳۷۱/۱۱/۱۹.

اطلاق می‌گردد. البته جهاد، با عنوان‌های دیگر و در میدان‌های دیگر هم هست. پس، شرط اول جهاد این است که در آن، تلاش و کوشش باشد و شرط دومش اینکه، در مقابل دشمن صورت گیرد. این نکته در فرهنگ اسلامی، نکته برجسته‌ای است که گفتیم نمونه‌هایی هم در میدان‌های مختلف دارد. در روزگار ما هم، وقتی ندای مقابله با رژیم منحوس پهلوی از حلقوم امام رضوان‌الله‌علیه و همکاران ایشان در سال ۱۳۴۱ بیرون آمد، جهاد شروع شد. پیش از امام هم، البته جهاد به صورت محدود و پراکنده وجود داشت که حائز اهمیت نبود. هنگامی که مبارزه امام شروع شد، جهاد اهمیت پیدا کرد تا اینکه به مرحله پیروزی خود، یعنی پیروزی انقلاب اسلامی رسید. بعد از آن هم، تا به امروز، در این کشور جهاد بوده است: چون ما دشمن داریم؛ چون دشمنان ما از لحاظ نیروی مادی، قوی هستند؛ چون اطراف و جوانب ما را، از همه جهت، دشمنان گرفته‌اند. آن‌ها در دشمنی با ایران اسلامی، جدی هستند و سر شوخی ندارند؛ چون می‌خواهند از هر راهی که شد ضربه بزنند. پس، در ایران اسلامی، هرکس به نحوی در مقابل دشمن، که از اطراف، تیرهای زهرآگین را به پیکر انقلاب و کشور اسلامی نشانه رفته است، تلاشی بکند، جهاد فی سبیل‌الله کرده است. بحمدالله، شعله جهاد بوده است و هست و خواهد بود.

البته یکی از جهادها هم «جهاد فکری» است؛ چون دشمن ممکن است ما را غافل کند، فکر ما را منحرف سازد و دچار خطا و اشتباهمان گرداند. هرکس که در راه روشنگری فکر مردم، تلاشی بکند، از انحرافی جلوگیری نماید و مانع سوءفهمی شود، از آنجاکه

در مقابله با دشمن است، تلاشش «جهاد» نامیده می‌شود؛ آن هم جهادی که شاید امروز، مهم محسوب می‌شود. پس، کشور ما امروز کانون جهاد است و از این جهت هیچ نگرانی‌ای هم نداریم... از این جهت، بنده که بیشتر سنگینی بارم این است که نگاه کنم بینم کجا شعله جهاد در حال فروکش کردن است و به کمک پروردگار نگذارم؛ بینم کجا اشتباه کاری می‌شود، جلوش را بگیرم، مسئولیت اصلی حقیر، همین‌هاست؛ از وجود جهاد در وضع کنونی کشور، نگران نیستم.^۱

۲. عرصه‌های جهاد و کار جهادی

الف. عرصه درونی (جهاد با نفس و ادای حق بندگی پروردگار)
برادران عزیز! تلاش، جهاد و مجاهدت، از همه پسندیده و زیباست؛ بخصوص از کسی که ابزار این کار در اختیار اوست و می‌تواند این جهاد را در بهترین جایگاه خود قرار دهد و از آن بهره ببرد. بهره مورد نظر [از جهاد] چیست؟ آن بهره دو بخش دارد: یک بخش شخصی دارد که این اصل قضیه است. این را توجه کنید! قسمت اعظم مجاهدت در راه خدا، برای شخص خود شماست؛ ﴿عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَصُرُّكُمْ مَنْ صَلَّى إِذَا اهْتَدَيْتُمْ﴾^۲. اصل قضیه این است که ما باید به عنوان یک بنده خدا، از عهده بندگی خدا برآییم؛ یا می‌توانیم که در این صورت، سربلند و سعادت‌مند خواهیم شد؛ یا نمی‌توانیم که در این صورت، شقاوت است. تلاش و جهادی که می‌کنیم، سازندگی، خودسازی و دیگر سازی که



۱. بیانات در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله ﷺ ۲۰/۰۳/۱۳۷۵.

۲. مائده، ۱۰۵.

به دنبالشان می‌رویم، خدمتی که به خلق می‌کنیم، اقامه عدلی که می‌کنیم، حکومتی که به راه می‌اندازیم؛ همه در درجهٔ اول، برای این است که پیشِ خدای متعال به عنوان يك بنده بتوانیم عرض کنیم: «پروردگارا! ما حق بندگی تو را تا حدی که توانستیم به جا آوردیم.» در دعا هست که «وَجْعَلْ مِنْ مَنِّ بِيْهِ عِبَادَةٌ فِيْ كَفَاءٍ لِّتَعْزِيَةِ حَقِّهِ»^۱... یعنی «اگر آنچه را خدا مَنّت گذاشته و به ما داده است، به کار بیندازیم، کافی است که بتوانیم حقی را که بر گردن ماست، ادا کنیم.» پس در درجهٔ اول، تلاش موردنظر است.^۲

من در این جمع پُرشور و صمیمی و مؤمن، مطلبی را عرض می‌کنم که از امّهات مسائل فکری ماست. در اسلام، نقطهٔ اصلی و محوری برای اصلاح عالم، اصلاح نفس انسانی است. همه چیز از اینجا شروع می‌شود. قرآن به آن نسلی که می‌خواست با دست قدرتمند خود، تاریخ را ورق بزند، فرمود: «فَوَا أَنْفُسَكُمْ»^۳، «عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ»^۴. خودتان را مراقبت کنید، به خودتان بپردازید و نفس خودتان را اصلاح و تزکیه کنید؛ «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا»^۵. اگر جامعهٔ اسلامی صدر اول اسلام، از تزکیهٔ انسان‌ها شروع نشده بود و در آن به اندازهٔ لازم، آدم‌های مصفا و خالص و بی‌غش وجود نداشتند؛ اسلام پا نمی‌گرفت، گسترش پیدا نمی‌کرد، بر مذاهب مشرکانهٔ عالم پیروز نمی‌شد و تاریخ در خط اسلام به حرکت نمی‌افتاد. اگر

۱. مصباح‌المتّجّد، ص ۱۳۸.

۲. بیانات در دیدار فرماندهان رده‌های مختلف سپاه پاسداران، ۲۹/۰۶/۱۳۷۳.

۳. تحریم، ۶.

۴. مائده، ۱۰۵.

۵. شمس، ۹.

انسان‌های مزگا و مصفا نباشند، جهاد نیست...^۱
 در درجهٔ دوم، مسائل دیگر مورد نظر است؛ مثل: نجات
 بشریت، اقامهٔ حکومت عدل و حق و ایجاد راهی که بشر بتواند از
 آن راه به خدا و هدایت برسد...^۲

در سطح داخلی، انقلاب اکنون در مرحله‌ای است که می‌توان
 آن را دوران «جهاد اکبر» نامید که دورانی است بسیار سخت، بسیار
 خطرناک و همهٔ انقلاب‌ها این دوران را قاعدتاً تجربه می‌کنند و
 شاید بشود گفت که اکثر انقلاب‌ها در این دوران دچار لغزش و
 انحطاط می‌شوند و شاید تعجب کنید اگر عرض کنم که انقلاب
 عظیم تاریخی نخستین اسلام در چنین دورانی بود که بیشترین
 نیروی خود را از دست داد!

بلی، دوران جهاد اکبر یعنی دورانی که شور و هیجان اولیهٔ
 انقلاب تا حدود زیادی فرو نشسته، ضمناً موفقیت‌هایی هم به
 دست آمده و چهرهٔ راحت زندگی، خود را به بسیاری نشان داده
 و جرب و شیرین زندگی در دهان‌هایی مزه کرده است. این، آن
 دوران خطرناک است. ما امروز در این دوران از انقلاب کبیر و عظیم
 و عمیق خود قرار داریم.^۳

آنچه که ما باید فراموش نکنیم و همیشه به یاد داشته باشیم،
 این است که ببینیم وظیفهٔ ما در این برهه از زمان چیست و در
 مقابل نعمت الهی چه وظیفه‌ای داریم. امروز وظیفهٔ بزرگ ملت

۱. سخنرانی در دیدار با مسئولان بنیاد شهید، جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاه‌ها و اقشار
 مختلف مردم، ۱۳۶۹/۰۵/۲۴.
 ۲. بیانات در دیدار فرماندهان رده‌های مختلف سپاه پاسداران، ۱۳۷۳/۰۶/۲۹.
 ۳. پیام به نشست سالانهٔ اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان (دفتر تحکیم وحدت)،
 ۱۳۷۴/۰۲/۰۶.

ایران، جهاد معنوی و جهاد اکبر است... این جهاد، بزرگ‌تر از هر جهاد ظاهری، با هر دشمنی و با هر عظمتی است.^۱

ب. عرصه بیرونی (جهاد مسلحانه، جهاد فرهنگی، جهاد علمی، جهاد مالی و اقتصادی و...)

کسی خیال نکند که جهاد، همان جهاد مسلحانه را می‌گوییم؛ نه جهاد علمی و مالی و اقتصادی و جهاد در سنگر سازندگی که همه در جای خود محفوظند و فضیلت دارند، تمام شده است. البته فضیلت جهاد مسلحانه با فضیلت‌های دیگر قابل‌مقایسه نیست. میدان این جهاد، میدان بازی است که خود این هم فرصت دیگری است. این‌ها نِعَم الهی هستند و شما باید از این فرصت‌ها استفاده کنید...^۲

دفاع از اسلام، به دفاع از میهن اسلامی ختم نمی‌شود. ما در همه مرزهای اسلام با کفر، آماده دفاع و مجاهدتیم. البته، میدان چنین جهادی، وسیع‌تر و میدان‌داران آن، رجال سیاسی و علمی و فرهنگی و هنری‌اند که همواره باید آماده دفاع از اسلام باشند.^۳ امروز هم مجاهدت جوانان و برگزیدگان در میدان‌های دیگر لازم است: میدان سازندگی، میدان آگاهی از کید دشمنان، میدان



۱. سخنرانی در دیدار با خانواده‌های شهدای شهرهای پاکدشت، ممقان، کبودرآهنگ، آستانه اشرفیه، لنجان، رابر کرمان، تهران، به همراه گروهی از خانواده‌های جانبازان و آزادگان استان تهران، کارکنان معاونت بهداشت و درمان بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، کارکنان و مسئولان عقیدتی، سیاسی سازمان اتکا، کارکنان و مسئولان عقیدتی سیاسی سازمان اتکا، کارکنان و مسئولان وزارت پست و تلگراف و تلفن و جمعی از رزمندگان و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰/۰۷/۱۷.

۲. بیانات در دیدار فرماندهان رده‌های مختلف سپاه پاسداران، ۱۳۷۳/۰۶/۲۹.

۳. پیام به مناسبت نهمین سالگرد جنگ تحمیلی، ۱۳۶۸/۰۶/۳۰.

تلاش برای خودسازی علمی و اخلاقی، میدان ایجاد امید در مردم و مبارزه با دیو یأس، میدان مبارزه با تبلیغات دشمنان مستکبر، میدان وحدت و همکاری و همبستگی ملی.

جهاد یعنی حضور در میدان با مجاهدت، با تلاش، با هدف و با ایمان؛ این می شود جهاد. لذا ﴿جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾؛ جهاد با نفس، جهاد با مال. جهاد با نفس کجاست؟ فقط به این است که توی میدان جنگ برویم و جانمان را کف دست بگیریم؟! نه، یکی از انواع جهاد با نفس هم این است که شما شب تا صبح را روی یک پروژه تحقیقاتی صرف کنید و گذر ساعات را نفهمید. جهاد با نفس این است که از تفریحات بزنید، از آسایش جسمانی تان بزنید، از فلان کار پُرپول و پُردرآمد، به قول فرنگی ها پولساز، بزنید و توی این محیط علمی و تحقیقی و پژوهشی صرف وقت کنید تا یک حقیقت زنده علمی را به دست بیاورید و مثل دسته گل به جامعه تان تقدیم کنید؛ جهاد با نفس این است. یک قسمت کوچکی هم جهاد با مال است.^۲

باید دانست که رحمت الهی و کمک الهی بستگی دارد به حرکت و تلاش انسان مؤمن؛ به عمل صالح او. باید در میدان باشیم، باید احساس وظیفه را فراموش نکنیم، مجاهدت را فراموش نکنیم. جهاد در صحنه های مختلف، وظیفه ماست و ضامن پیشرفت و پیروزی ماست. در صحنه سیاسی هم جهاد هست، در صحنه فرهنگی هم جهاد هست، در صحنه تبلیغاتی و ارتباطاتی هم جهاد هست، در صحنه های اجتماعی هم جهاد



۱. انفال، ۷۲.

۲. پیام به مناسبت سومین روز از دهه مبارکه فجر «روز ایثار و شهادت»، ۱۳/۱۱/۱۳۷۳.

هست. جهاد فقط جهاد نظامی نیست؛ انواع و اقسام عرصه‌های زندگی بشر، عرصه‌جهادند.

۳. شاخصه‌های کار جهادی^۱

ویژگی‌های حرکت جهادی، توکل به خدا، اخلاص، باور عمیق به توانایی فردی، گروهی و ملی، اعتماد به جوانان، بکارگیری نیروهای مجرب، کار و تلاش بی‌وقفه و استفاده از همه ظرفیت‌هاست. پیشرفت‌های باورنکردنی ملت از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون، به برکت روحیه و کار جهادی ممکن شده است و حفظ و استمرار همین روحیه، تحقق همه اهداف را امکان‌پذیر می‌کند.^۲

الف. همراه با تلاش و مجاهدت است

درمورد جهاد دانشگاهی من اعتقاد این است که این ترکیب، جهاد و دانشگاه، و تلفیق جهاد که يك امرارزشی معنوی است با علم و دانش و با دانشگاه، دارای پیام است: نشان می‌دهد که می‌توان علم جهادی و نیز جهاد علمی داشت؛ این همان کاری است که شماها مشغولید. علم شما علم جهادی است: با جهاد و با اجتهاد همراه است، [در آن] دریوزه‌گری و منتظرنشستن برای هدیه شدن علم از این سو و آن سو نیست، دنبال علم می‌روید تا آن را به دست بیاورید؛ این علم جهادی و علم برخاسته از مجاهدت و اجتهاد و تلاش است. ازطرفی شما مشغول جهاد هستید؛ جهاد



۱. در موارد بسیاری رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی)، «کار جهادی» را با «کار بسیجی» و

«کار انقلابی» معادل گرفته‌اند؛ نمونه‌های زیر از این دست هستند:

۲. بیانات در دیدار هزاران نفر از کشاورزان سراسر کشور، ۱۳۸۴/۱۰/۱۴.

یعنی مبارزه برای يك هدف والا و مقدس.^۱

یکی از کارهای اساسی ما... هم پرهیز از تنبلی و کم‌کاری است. کسالت، کم‌کاری و تنبلی، يك انسان را، يك خانواده را، يك کشور و يك ملت را تباه می‌کند. همه باید کار کنند؛ کار جهادی. اینکه ما امسال گفتیم جهاد اقتصادی، یعنی تحرّک اقتصادی باید جهادگونه باشد.^۲

در سر راه انسان، موانع وجود دارد. اساساً همین وجود مانع است که به تلاش انسان معنا و حقیقت معنوی می‌بخشد و اسمش می‌شود جهاد؛ و الا اگر مانع نبود، جهاد معنی نداشت. جهاد یعنی جدّ و جهد همراه با زحمت و چالش با موانع.^۳

ب. در مقابله با دشمن است

جهادی عمل کردن، مفهوم خاصی دارد؛ هرچور کاری، جهادی نیست. جهاد با جهد و تلاش از لحاظ ریشه یکی‌اند؛ یعنی در آن معنای جهد و کوشش وجود دارد؛ اما جهاد فقط این نیست. جهاد یعنی مبارزه؛ مبارزه در همین اصطلاح متعارف فارسی امروز ما، مبارزه، انواع و اقسامی دارد: مبارزه علمی داریم، مبارزه مطبوعاتی داریم، مبارزه سیاسی داریم، مبارزه اقتصادی داریم، مبارزه نظامی داریم، مبارزه آشکار داریم، مبارزه پنهان داریم؛ اما يك نقطه مشترك در همه این‌ها وجود دارد و آن اینکه در مقابل يك خصم است، در مقابل يك مانع است. مبارزه با دوست معنی ندارد؛



۱. بیانات در دیدار هیئت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۰۴/۰۱.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.

۳. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴.

مبارزه در مقابل يك دشمن است.^۱

فرض کنید در دوران اختناق، کسی هر هفته مثلاً پنج تا کتاب می‌خواند؛ خیلی کار بود، اما لزوماً مبارزه نبود؛ جهد بود، جهاد نبود. اگر می‌خواست جهاد باشد، باید کتابی را می‌خواند که در حرکت او در مواجهه با رژیم طاغوت و رژیم اختناق، تأثیر داشت؛ آن وقت می‌شد جهاد. خاصیت جهاد این است.

معارضه سیاسی و فرهنگی دولت‌ها، بخش كوچك معارضه با جمهوری اسلامی است. بخش مهم‌تر، معارضه فرهنگی غرب با نظام جمهوری اسلامی است که يك معارضه عمیق و بلندمدت است. ایستادگی در مقابل این‌ها، روح حسینی می‌خواهد. آن کسانی که امروز در مقابل تهاجم و توطئه‌آفرینی‌های دشمنان ما در جبهه استکبار، در کار جهادی و سیاسی ایستادگی می‌کنند، کار حسین بن علی (علیه السلام) را می‌کنند... اگر کسی اهل دین خدا هم نباشد، برای خدا کاری نخواهد کرد؛ همین‌قدر خواهد که این خانه برای اهل آن سالم و پابرجا بماند، چنین کسی هم باید بداند که [این کار] جز با ایستادگی پارسایانه و شجاعانه در مقابل دشمن، امکان‌پذیر نیست. دشمن لحظه‌ای غافل نیست و هر کاری بتواند می‌کند.^۲

ملاك در صِدق جهاد این است که این حرکتی که انجام می‌گیرد، جهت دار و مواجه با موانعی باشد که همت برزدودن این موانع گماشته می‌شود؛ این می‌شود مبارزه. جهاد یعنی يك چنین مبارزه‌ای که وقتی دارای جهت و هدف الهی بود، آن وقت جنبه

۱. بیانات در بازدید از پژوهشکده رویان، ۱۳۸۶/۰۴/۲۵.

۲. بیانات در دیدار با پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار، ۱۳۷۵/۰۹/۲۴.

تقدّس هم پیدا می‌کند. شما مبارزه علمی می‌کنید، زیرا این کار شما به طور واضح دشمنان بسیار سرسختی دارد که نمی‌خواهند این حرکت علمی و تحقیقی انجام بگیرد؛ لذا به نظر من جهاد دانشگاهی فقط يك نهاد نیست؛ بلکه يك فرهنگ است، يك سمت‌گیری و حرکت است. هرچه بتوانیم ما این فرهنگ را در جامعه گسترش دهیم و آن را پایدار و استوار کنیم، کشور را به سمت سربلندی و عزت و استقلال حقیقی بیشتر پیش برده‌ایم.^۳ وقتی که راجع به سلول‌های بنیادی شبیه‌سازی و این طور کارها آقایان حرف زدید و بنده یا دیگری هم تجلیلی از این کار کردند، مقامات امریکایی اعلام کردند که برای علوم ژنتیک هم باید شورای حکامی به وجود بیاید! این معنایش چیست؟! دشمن از اینکه شما در این رشته دارید حرکت می‌کنید، دردش آمده است. مثال‌های واضحش را عرض می‌کنم؛ هزاران مثال دارد. آن‌روزی که شما مثلاً بتوانید آنچنان راداری بسازید که از هیچ نقطه از فضای آسمان این کشور، هیچ جنبنده‌ای نتواند وارد شود؛ آن روز دشمن دردش می‌آید؛ یعنی این تیری است که مستقیم می‌خورد به دشمن. این، می‌شود جهاد.

در حرکت جهادی، در علم جهادی، در تحقیق جهادی، این عنصر حتماً شرط است. دشمن هم مقصود آمریکا نیست. حالا ما در مقام صحبت، دشمن واضحمان آمریکا و استکبار جهانی است. نه، دشمن‌ها انواع و اقسامی دارند. يك وقت يك کارتل بزرگ مالی و اقتصادی از اینکه شما بتوانید مثلاً کارخانه سیمان بسازید، ناراحت می‌شود؛ مانع‌تراشی می‌کند؛ نمی‌گذارد که الان



در گزارشهایی که در اینجا به من دادند، از جمله همین مسئله بود. دلشان می‌خواهد يك شورای حکام هم درست کنند برای ساخت سیمان که هرکس حق نداشته باشد کارخانه سیمان بسازد یا تولید سیمان کند!^۱

ج. با همت بزرگ، ایمان عمیق [به خداوند، پاداش الهی و کار] و همراه با قصد خالص است

کارهای بزرگ، به همت‌های بزرگ و به ایمان‌های عمیق: ایمان به کار، ایمان به مردم و پشت سر و مهم‌تر از همه این‌ها، ایمان به خداوند و پاداش الهی احتیاج دارد و يك کار جهادی لازم است؛ جهاد، یعنی همین.^۲

امسال سال جهاد اقتصادی است. جهاد اقتصادی متوجه يك نکته اساسی است در مسئله اداره کشور و مدیریت کشور... پس جهاد اقتصادی لازم است؛ یعنی همین مبارزه، همین پیکار؛ منتها جهادگونه، با همه توان، با همه وجود، با قصد خالص، با فهم و بصیرت اینکه داریم چه کار می‌کنیم. سال جهاد اقتصادی معنایش این است. بخش‌های اقتصادی کشور در همه قسمت‌های دولتی و غیردولتی اگر به توفیق الهی پایبند به این مجاهدت باشند، يك جهش به وجود خواهد آمد.^۳

د. هدفمند و متوجه به آرمان‌هاست

کار جهادی باید هدفمند، درست متوجه به آرمان‌ها و هوشمندانه و عاقلانه و دشمن‌شکن باشد. یعنی به همان معنایی



۱. بیانات در یادید از پژوهشکده رویان، ۱۳۸۶/۰۴/۲۵.

۲. بیانات در دیدار با کشاورزان، به مناسبت هفته کشاورزی، ۱۳۸۰/۱۰/۱۲.

۳. بیانات در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور، ۱۳۹۰/۰۲/۰۷.

که ما مبارزه را در اصطلاح معمولی به کار می‌بریم: «دارم مبارزه می‌کنم، این يك مبارزه است.» این، يك تعبیر مصطلح است. در جهاد، این معنا هست. این، تعریف بخش جهاد.^۱

ه. هوشمندانه، با بصیرت و تدبیر، واقع‌بینانه و در چهارچوب قانون است

آنچه که ما می‌خواهیم دنبال کنیم و اصرار بر آن داریم، این است که واقع‌بینی، مشاهده واقعیات جامعه و جهان، با آرمان‌گرایی و تعقیب آرمان‌ها و آرزوهای بزرگ ملت ایران هیچ‌گونه تنافی و تعارضی ندارد. اگر ما توانستیم آرمان‌گرایی را با واقع‌بینی و واقع‌گرایی همراه کنیم، ترجمه عملیاتی‌اش می‌شود اینکه ما تدبیر را با مجاهدت ترکیب کنیم؛ هم مجاهدت کنیم و مجاهدانه حرکت کنیم، هم این حرکت مجاهدانه در يك چهارچوب تدبیرشده‌ای قرار بگیرد که این، آگاهی عمومی، آگاهی دست‌اندرکاران، همراهی دل‌ها و زبان‌ها در همه عرصه‌ها را می‌طلبد.^۲

در زمینه خدمت، کار را باید جهادی کرد. جهادی به معنای بی‌قانونی نیست. دوستانی که ما سال‌ها با خیلی از شماها کار کردیم، با بسیاری از شما برادرها در زمینه‌های مختلف همکاری داشتیم، می‌دانید روحیه من را: من آدم دعوت‌کننده به بی‌قانونی نیستم؛ به شدت ضد این بی‌قانونی هستم؛ اما معتقدم در همان چهارچوب قانون، دو جور می‌شود کار کرد: يك کار، کار مرسوم اداری؛ يك کار، کار جهادی. کار جهادی یعنی از موانع عبور کردن،

۱. بیانات در بازدید از پژوهشکده رویان، ۱۳۸۶/۰۴/۲۵.

۲. بیانات در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۰۵/۰۳.



موانع کوچک را بزرگ ندیدن، آرمان‌ها را فراموش نکردن، جهت را فراموش نکردن، شوق به کار؛ این کار جهادی است. کار را باید جهادی انجام داد تا ان شاء الله خدمت به خوبی انجام بگیرد.^۱

و. متکی به عشق و شوق و بدون انتظار فراهم آمدن همه جزئیاتی است که برای آدم‌های معمولی لازم و مؤثر است

نیروهای مسلح باید در سازندگی شرکت کنند: اولاً در سازندگی درونی به شکل جهادی، به شکل بسیجی، به شکل انسان‌های انقلابی، بدون انتظار فراهم آمدن همه جزئیاتی که برای آدم‌های معمولی لازم و مؤثر است؛ سراز پا نشناخته، عاشقانه، با جوشش ابتکار و استعداد، بدون اینکه گفته شود این را نداریم و آن را نداریم، حتی با دست خالی شرکت کنند. سازندگی، آنجاکه متکی به عشق و شوق و ابتکار و خلاقیت انسان‌ها باشد، با همه فقدها و نداشته‌ها هم میسر است. ما بحمدالله دچار نداشته‌ها نیستیم. ما می‌خواهیم بجوشیم. ما می‌خواهیم استعدادها بروز کند.^۲

ز. با بهره‌گیری از تخصص، تجربه و استفاده از همه ظرفیت زیرمجموعه خود است

این کار، احتیاج دارد به اینکه در داخل این مجموعه، ایمان و تخصص و تجربه و کارایی و انگیزه و خلاصه، کار جهادی تحقق پیدا کند.^۳



۱. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶.

۲. سخنرانی در مراسم صبحگاه نظامی پایگاه منطقه دوم دریایی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در بوشهر، ۱۳۷۰/۱۰/۱۲.

۳. بیانات در دیدار با کشاورزان به مناسبت هفته کشاورزی، ۱۳۸۰/۱۰/۱۲.

تلاش مجاهدت‌آمیز و تلاش سخت؛ یعنی به کارگیری عقل، علم، تخصص و تجربه و به کاربردن همه ظرفیت دستگاه تحت مدیریت برای رسیدن به آرمان‌های نظام اسلامی، رفتار دینی است.

اگر يك مسئول، خیلی هم مقدس‌مآب باشد، اما از ظرفیت خود برای کار و تلاش استفاده نکند؛ رفتار دینی او ناقص است. اگر از فرصت‌ها استفاده نکند و عقل و تدبیر و هوش و علم و تخصص و تجربه را به کار نگیرد، رفتار دینی‌اش ناقص است. معارف اسلامی ما پُر است از این مفاهیم عالی و متعالی و قرآن و احادیث ما هم سرشار از این معارف است. البته مسئول متدین کسی است که این ضوابط را در زندگی خود به عنوان اصول حتمی و غیرقابل تخلف در نظر داشته باشد. اگر مسئولان نظام جمهوری اسلامی مقید به این ضوابط باشند، نظام اسلامی روزه‌روز و قدم‌به‌قدم به پیش می‌رود.^۱

ح. با جوشش ابتکار، بروز استعداد و با تکیه بر توان خودی است

جهادی حرکت کنید. ما از اول انقلاب، هر کار بزرگی که توانسته‌ایم انجام بدهیم، به برکت اعتماد به نفس و بلندپروازی و کار جهادی بوده است. جوانان جهاد سازندگی، آن روزی کارهای بزرگ را در این کشور شروع کردند که حتی آن کسانی که جلوی چشمشان این کارهای بزرگ انجام می‌گرفت، باور نمی‌کردند که جوان ایرانی قادر به این کارهاست. در دوران رژیم طاغوت، گندم را از آمریکا می‌خردند و سیلو را روس‌ها برایشان می‌ساختند؛



۱. بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۳/۰۱/۰۲.

آن‌ها سیلو را هم نمی‌توانستند بسازند! باید روس‌ها می‌آمدند؛ این صنعت در ایران نبود. در سال‌های اول انقلاب، این جوانان جهاد دانشگاهی آمدند و گفتند امام دستور داده‌اند مردم گندم بکارند؛ خوب، گندم سیلو لازم دارد؛ درِ خانه چه کسی برویم، جز درِ خانه همت و ابتکار خودمان؛ شروع کردند. افرادی می‌دیدند که این سیلو بالا می‌رود، البته در روز اول با ظرفیت کم، اما باور نمی‌کردند! و امروز کشور ما یکی از کشورهای مطرح از لحاظ سیلوسازی در دنیا است؛ به برکت همین جوان‌ها. کار جهادی، این است. در هر بخشی از بخش‌های گوناگون صنعتی و فنی و علمی و تحقیقاتی که ما با روحیه جهادی وارد شدیم؛ پیش رفته‌ایم. روحیه جهادی یعنی چه؟ یعنی اعتقاد به اینکه «ما می‌توانیم» و کار بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر و استفاده از همه ظرفیت وجودی و ذهنی و اعتماد به جوان‌ها. الان در همین بخش انرژی هسته‌ای که این همه دنیای استکبار را سراسیمه کرده، اکثر کسانی که در آنجا مشغول کار هستند، جوان‌های تحصیل‌کرده‌اند؛ صدها جوان کم‌سال و تحصیل‌کرده، این چرخ را می‌چرخانند و این عزت را برای کشور پدید آورده‌اند. در همه بخش‌ها همین‌طور است. به نیروهای بالاستعداد، چه از جوان‌ها باشند و چه از انسان‌های باتجربه، اعتماد کنند. اعتماد به این افراد و توکل به خدای متعال و اخلاص نیت برای خدا، اساس کار است.^۱

چند روز قبل گزارشی راجع به تولید و تکثیر و انجماد سلول‌های بنیادی به من دادند. این يك کار بسیار عظیم و پیچیده علمی است که در معدودی از کشورهای دنیا انجام گرفته است. در

۱. بیانات در دیدار کشاورزان به مناسبت هفته کشاورزی، ۱۴/۱۰/۱۳۸۴.

کشور ما این کار بی سروصدا اتفاق افتاده و هنوز اعلان هم نشده است. به نظر من اهمیت این کار کمتر از کار هسته‌ای که ما کردیم، نخواهد بود. این کار در آینده پزشکی دنیا ارزش زیادی دارد و دنیا از آن به عنوان يك انقلاب پزشکی نام می‌برد. «يك گروه جوانِ مؤمنِ انقلابی و واقعاً جهادی»^۱ که از همین بچه‌های جهاد دانشگاهی هستند، راجع به این مسئله چند سال کار کرده‌اند و به نتایج خوبی رسیده‌اند؛ البته باید کار ادامه پیدا کند تا به آن نتایج نهایی‌اش برسد.^۲

۴. سنن و قواعد الهی در کار جهادی

الف. وجود مشکلات و موانع در مسیر حق

همه این موانع جزو سنت‌های الهی است. وجود این موانع تصادفی نیست. این‌ها سنت الهی است؛ یعنی تلاش و حرکت با مانع مواجه است و الا جهاد معنا نمی‌داشت: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًّا وَنَصِيرًا﴾^۳؛ در همه دعوت‌های انبیا، دشمنان (موانع) از جن و انس وجود داشتند. در آیه دیگر: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مُّجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَ مَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ﴾^۴؛ در درون جوامع، طبقاتی که وجود آن‌ها مایه فساد، مایه مکر بوده است؛ این‌ها جزء سنت‌ها بوده است. یعنی هرگز انبیا نگفتند ما آن وقتی که جاده، صاف است



۱. پژوهشگران موسسه رویان

۲. بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۲/۰۶/۰۵

۳. فرقان، ۳۱.

۴. انعام، ۱۲۳.

وارد میدان می‌شویم؛ مثل جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی.^۱

ب. تدبیر به علاوة مجاهدت؛ مساوی است با پیروزی

يٰۤاَيُّهَا الْعَالَمُونَ، ساده‌لوحانه بعضی از کشورهای ثروتمند دنیا را موردنظر قرار می‌دهند و می‌گویند این‌ها ثروت دارند، اما دین و اخلاق ندارند؛ ما هم به همان راه برویم. خیال می‌کنند ثروتمند شدن آن‌ها، ناشی از دین‌داشتن و اخلاق‌داشتن آن‌هاست! این اشتباه است. هر کشوری اگر ثروتمند و قدرتمند شده است، به خاطر عوامل خاص ایجاد قدرت و ثروت است. هر جا تدبیر و کار و تلاش باشد، محصولی خواهد داد؛ این سنت الهی است. حتی کسانی هم که دنبال مادیات صرف بدون معنویت می‌روند، اگر مدیریت و تدبیر درستی داشته باشند و تلاش و مجاهدت هم بکنند، البته به آن خواهند رسید؛ ﴿كَلَّا نُمِدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ﴾^۲.

شکی نیست که خدای متعال به حسب عمل ملت‌ها به آن‌ها پاداش و جزا می‌دهد که گاهی آثار آن را ما می‌فهمیم و گاهی هم متوجه نمی‌شویم.^۳

کسی که مشغول مجاهدت است، حق ندارد ناامید شود؛ چون یقیناً پیروزی در انتظار اوست. آن مواردی که پیروزی به دست نیامده و ناکامی حاصل شده است، به این خاطر بوده که مجاهدت فی سبیل الله نبوده است؛ یا اگر مجاهدت بوده،



۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴.

۲. اسراء، ۲۰.

۳. بیانات در دیدار جمعی از یاسداران، ۱۳۸۱/۰۷/۱۷.

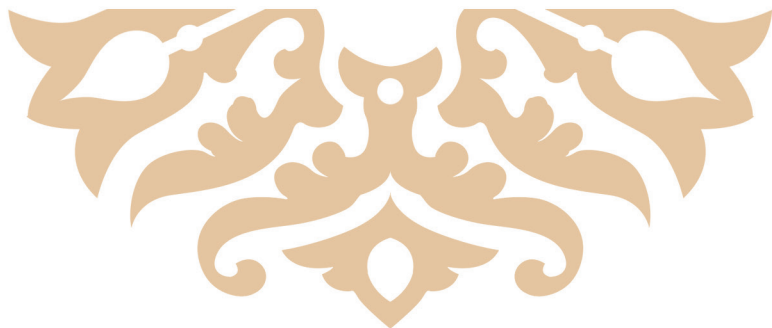
فی سبیل الله نبوده یا اصلاً مجاهدت نبوده است. شرط مجاهدت
فی سبیل الله چیست؟ این است که انسان به سبیل الله، ایمان و
باور و معرفت داشته باشد و آن را بشناسد؛ بنابراین می تواند در راه
آن، مجاهدت کند.^۱



۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.



فصل سوم: مدیریت جهادی





در اداره کشور باید روحیه خدمت به مردم با نیت خدایی و با تکیه بر علم و درایت یا همان روحیه مدیریت جهادی حاکم باشد تا بتوان از مشکلات عبور کرد و به پیش رفت.

اگر مدیریت جهادی یا همان کار و تلاش، با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت حاکم باشد، مشکلات کشور، در شرایط کنونی فشارهای خباثت‌آمیز قدرت‌های جهانی و در شرایط دیگر، قابل حل است و کشور حرکت رو به جلو را ادامه خواهد داد.^۱

... [نکته دیگر]، رویکرد جهادی است که در این سیاست‌ها مورد ملاحظه قرار گرفته؛ همت جهادی، مدیریت جهادی. با حرکت عادی نمی‌شود پیش رفت؛ با حرکت عادی و احیاناً خواب‌آلوده و بی‌حساسیت نمی‌شود کارهای بزرگ را انجام داد؛ یک همت جهادی لازم است، تحرک جهادی و مدیریت جهادی برای این کارها لازم است. باید حرکتی که می‌شود، هم علمی باشد، هم پُر قدرت باشد، هم با برنامه باشد و هم مجاهدانه باشد.^۲

در نگاه به سال ۹۳ آنچه به نظر این حقیر مهم‌تر از همه است، دو مسئله است: یک مسئله، همین مسئله اقتصاد و دیگری مسئله فرهنگ است. در هر دو عرصه و در هر دو زمینه، توقعی که وجود دارد، تلاش مشترکی است میان مسئولان کشور و آحاد مردم. آنچه برای بنای زندگی و سازندگی آینده مورد انتظار است، بدون مشارکت مردم تحقق‌پذیر نیست. بنابراین علاوه بر مدیریتی که

۱. بیانات در دیدار با شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر تهران، ۱۳۹۲/۱۰/۲۳.

۲. بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰.

مسئولین باید انجام بدهند، حضور مردم در هر دو عرصه لازم و ضروری است؛ هم عرصه اقتصاد، هم عرصه فرهنگ. بدون حضور مردم، کار پیش نخواهد رفت و مقصود تحقق پیدا نخواهد کرد. مردم در گروه‌های گوناگون مردمی، با اراده و عزم راسخ ملی می‌توانند نقش‌آفرینی کنند. مسئولین هم برای اینکه بتوانند کار را به‌درستی پیش ببرند، احتیاج به پشتیبانی مردم دارند. آن‌ها هم بایستی با توکل به خدای متعال و با استمداد از توفیقات و تأییدات الهی و کمک مردمی، مجاهدانه وارد میدان عمل بشوند؛ هم در زمینه اقتصاد و هم در زمینه فرهنگ. ... لذا به گمان من آنچه در این سال جدید پیش رو داریم، عبارت است از اقتصادی که به کمک مسئولان و مردم شکوفایی پیدا کند و فرهنگی که با همت مسئولان و مردم بتواند سمت‌وسوی حرکت بزرگ کشور ما و ملت ما را معین کند. لذا من شعار امسال را و نام امسال را این قرار دادم: «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی».^۱



۱ . پیام معظم‌له نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۳.